یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۴۴۰۲
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

گمانه‌زنی و مطالبه برای ایجاد تغییرات در دولت افزایش یافته اما قرار است دولت به سمت کدام روش حکمرانی برود

ترمیم کابینه با کدام ایده؟

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

۹ ماه از شروع به کار دولت گذشته، اما جدال‌های درون گفتمانی چهره‌های نزدیک به دولت، همچنان ادامه دارد. ماجرای بندر شهید رجایی بهانه‌ای شد تا این اختلاف‌نظرها بروز رسانه‌ای هم پیدا کند. روزنامه سازندگی با نقد عملکرد دو وزیر، انتقادها به دولت را کلید زد. ارگان رسمی حزب کارگزاران، در دو روز متوالی، وزیر صمت را با تیتر «عامل خسارت به تجارت» و وزیر راه را با تیتر «خطای خانم وزیر» به خاطر کوتاهی در ماجرای بندر شهید رجایی مورد انتقاد قرار داد. نکته عجیب‌تر آن بود که سازندگی صراحتاً از استیضاح وزیر که جمع‌آوری امضای آن در مجلس شروع شده، استقبال کرد، در حالی که دیگر روزنامه‌های اصلاح‌طلب مثل هم‌میهن و شرق با این استیضاح مخالفت کرده بودند. البته روز گذشته حسین مرعشی، دبیر کل حزب کارگزاران در یادداشتی در همین روزنامه در واکنش به نقدهای چند روزه به دولت، گفت که دنبال دفاع کورکورانه از دولت نیست و منتقد مصلح و مشفق دولت است. اما بعد از سازندگی محمدجواد آذری‌جهرمی هم که در ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان، فعال بود در پیامی انتقادی از رئیس‌جمهور خواست که خودش برای اصلاح و ترمیم کابینه پیش‌قدم شود. به‌نظر می‌رسد، این جدال این بار با کلیدواژه لزوم ترمیم کابینه بالا گرفته است. اما سؤال اصلی آن است که موافقان اصلاح و تغییرات در کابینه، ایده‌ای تازه‌تر از آنچه در تیم دولت در حوزه‌های مختلف دنبال شده، دارند یا در ادامه سهم‌خواهی‌هایی پیشین، به اسم نقد مصلحانه، دولت را مورد هجمه قرار می‌دهند.

نقد درون گفتمانی دولت را هم قوی می‌کند

علت حادثه‌ای که در بندر شهید رجایی رخ داد، هنوز در حال بررسی است، اما در این میان گمانه‌زنی‌ها و اطلاعاتی در مورد علل بروز این حادثه مطرح شده است. اما در میانه همین اوضاع و در حالی که اظهاراتی در مورد قصور وزارت راه و صمت مطرح می‌شد، وزیر راه در اظهارنظری عجیب در واکنش به حادثه تلاش کرد تا اوضاع را کاملاً عادی جلوه دهد، این موضوع بهانه‌ای شد تا انتقادات به وزیر راه بالا بگیرد. روزنامه سازندگی انتقادها به وزیر را با ماجرای بندر شروع کرد اما نهایتاً به اینجا رسید که وزیر، وزارتخانه را با آزمون و خطا اداره می‌کند. این انتقاد و تکرار آنچه منتقدان دولت مطرح می‌کنند آن هم در حالی که استیضاح به دولت بالا گرفته، کمی عجیب به نظر می‌رسید، تا آنجا که برخی این ادعا را مطرح کردند که روزنامه سازندگی به مخالف و منتقد دولت تبدیل شده است. حسین مرعشی اما روز گذشته در یادداشتی که به عنوان رئیس شورای سیاستگذاری دولت نوشته بود پاسخی به این انتقادها داد و نوشت: «کارگزاران سازندگی نه تنها از حامیان جدی و مصمم «دکتر پزشکیان» است، بلکه همواره تلاش کرده است با رویکردی مسئولانه، خلأها و کاستی‌های موجود در عملکرد بخش‌هایی از دولت را یادآور شود.» مرعشی موضع‌گیری سازندگی در نقد دولت، را در چهارچوب نقد مصلحانه و مشفقانه، تعریف کرد. البته انتقادات سازندگی به دولت، تنها نقدی نبود که از دل جریان اصلاح‌طلبی متوجه دولت می‌شد، محمدجواد آذری‌جهرمی که در کنار محمدجواد ظریف در ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان فعالیت می‌کرد، در یادداشتی انتصابات کابینه را نقد کرد و نوشت حالا که رئیس‌جمهور، کم‌کم به معادلات سیاسی، اقتصادی کشور و منطقه مسلط می‌شود، شناخت بهتری هم از تیمش پیدا کرده» پیشنهاد کرد که رئیس‌جمهور پیش از استیضاح مجلس، خودش برای اصلاح و ترمیم کابینه پیش‌قدم شود. اگر این انتقادات را یک جدال و دعوای سیاسی ندانیم و آن را در چهارچوب یک نقد درون گفتمانی تحلیل کنیم، به واقع اتفاق مثبتی رخ داده است. برهم زدن این کلیشه که حامیان دولت، فقط باید در مقام تعریف و تمجید از کابینه رئیس‌جمهور ظاهر شوند، می‌تواند منجر به تقویت دولت شود، چراکه عموم دولت‌ها، نقدهای وارد شده از جناح رقیب را در دسته بهانه‌جویی و تسویه‌حساب‌های سیاسی قرار می‌دهند و واقعیت انتقاد مطرح شده را چندان جدی نمی‌گیرند، اما زمانی که انتقاد به کابینه از درون جریان حامی دولت مطرح شود، این گمانه را تقویت می‌کند که نقص‌ها و ضعف‌هایی جدی در دولت وجود دارد که لازم است برای آن‌ها فکری جدی کرد. مطرح شدن انتقادات از سوی جریانی که در شکل‌گیری و قوام پیدا کردن گفتمان و مسیر دولت، اثرگذار بوده، اقدامی نه برای تضعیف که در راستای تقویت گفتمان و حراست از آن به شمار می‌رود.

سهم‌خواهی‌ها را به نام نقد دلسوزانه فاکتور نکنید

اما اگر انتقادات مطرح شده، رنگ و بوی سهم‌خواهی‌های سیاسی درون جریانی به خود بگیرد، اثری معکوس دارد و فارغ از آنکه کدام خواسته به کرسی بنشیند، پاتک زدن‌های مدام به دولت به بهانه‌های مختلف آن را تضعیف می‌کند. آنچه در مواضع برخی منتقدان به دولت مطرح شده، این شائبه را تقویت می‌کند که هدف از مطرح شدن برخی انتقادات، سهم‌خواهی‌هایی است که از روزهای اول شروع به کار دولت تا الان ادامه داشته است. استقبال از استیضاح وزرا، تأکید بر لزوم ایجاد و تغییر تحول در کابینه، این گمانه را تقویت می‌کند که بدنه‌ای از جریان اصلاح‌طلبی، به این خاطر کمر به نقد دولت بستند تا گزینه‌های مدنظر خود را در کابینه جای دهند. با پذیرش صحت این گزاره، انتقاد مطرح شده به نبود شایستگی و ضعف عملکردی در درجه دوم اهمیت است و در اینجا تفاوت چندانی بین مخالفان دولت که به خاطر تسویه‌حساب‌های سیاسی دولت را تحت فشار قرار می‌دهند و طیف نزدیک به دولت که تنها به این خاطر که افراد مورد نظر آن‌ها در دولت جایگاهی ندارند، دولت را مورد انتقاد قرار می‌دهند، وجود ندارد؛ چراکه در هر دو مورد خبری از نقد واقعی و چهارچوب‌دار با استدلال قوی نیست، بلکه نقص‌ها فقط بهانه‌ای برای تضعیف و ضربه‌زدن به دولت در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. خروجی آن هم تضعیف دولت و تلنبار شدن مشکلات حل نشده، نقص‌ها و کاستی‌ها در کنار دیگر ضعف‌هاست.

همچنان از فقدان ایده رنج می‌بریم

دولت چهاردهم از همان روزهایی ابتدایی آغاز به کار، با بحران فقدان ایده مواجه بود که نمود آن را می‌توان در نوع چینش افراد کابینه مشاهده کرد، اگرچه چهره‌های نزدیک به دولت، جای‌گذاری افراد در کابینه را به ملاحظات مختلف از جمله نگرانی از گرفتن رأی اعتماد مجلس مرتبط می‌دانند، اما تناقض‌های ساختاری که میان افرادی که در کابینه حضور دارند وجود دارد، نشان می‌دهد، بهانه کردن رأی اعتماد مجلس، توجیه قابل قبولی نیست. در تیم اقتصادی و در وزارتخانه‌هایی که به بحران‌های اقتصادی و معیشتی گره می‌خورند، هم چهره‌هایی حضور دارند که در منتهی‌الیه لیبرالیسم اقتصادی قرار دارند، هم وزرایی که نگاه‌های چپ‌گرایانه دارند، از آن طرف رئیس‌جمهور به‌وضوح از شوک‌درمانی‌های اقتصادی در حوزه انرژی که ماحصل نگاه‌های لیبرالیستی و بازار آزاد است، حمایت می‌کند؛ در طرف دیگر، فردی به عنوان گزینه پیشنهادی برای وزارت اقتصاد معرفی می‌شود که در میانه دونگاه لیبرالیستی و چپ‌گرایی قرار دارد، در حالی که اصل اولیه برای مدیریت چالش‌های اقتصادی یکپارچگی در تیم اقتصادی دولت است. جمع شدن این افراد با نگاه‌های متناقض را هم نمی‌توان در چهارچوب وفاق توجیه کرد، چندگونگی نظرها بیشتر از فقدان ایده و چهارچوب مشخص در دولت خبر می‌دهد تا استفاده از همه ایده‌ها و نظرها. با وجود آنکه از روزهای ابتدایی شروع فعالیت دولت به این گزاره تأکید شد که دولت باید گفتمان و ایده مشخصی برای مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های مختلف برای خود تعیین کند، اما نگاهی به تصمیم‌گیری‌ها در حوزه مهم و کلیدی اقتصاد و تصمیمات و انتخاب‌های شلخته و متناقض نشان می‌دهد، دولت همچنان از فقدان ایده رنج می‌برد. اگر با همین نگاه، نقدهایی را که از لزوم ترمیم کابینه صحبت می‌کنند درست و منطقی بدانیم. سؤال اصلی که طرفداران ترمیم کابینه باید به آن پاسخ دهند، آن است که این ترمیم باید برچه مبنایی انجام شود؟ در واقع منتقدان جابه‌جایی وزرا و اعضای دولت را بر مبنای کدام ایده محوری و حل کدام چالش‌های دولت، مطرح می‌کنند؟ آیا ایده‌ای کارآمد و راهگشا برای نجات دادن دولت از بی‌ایدگی و تناقض‌گویی در حوزه‌های مختلف مخصوصاً اقتصادی دارند؟ در چند روز اخیر که نقدهای درون جناحی به دولت اوج گرفته، خبری از مطرح شدن ایده‌ای مشخص در نقد کابینه نیست، برخی از این چهره‌ها، اگرچه از لزوم بلند کردن پرچم ارتقای اثربخشی و کارآمدی توسط رئیس‌جمهور، سخن می‌گویند اما توضیح دقیقی نمی‌دهند، اگر کابینه فعلی و ایده‌های آن‌ها کارآمدی ندارد، تکیه به کدام ایده می‌تواند دولت را از سردرگمی تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلیدی نجات دهد؟ نکته جالب توجه آن است که برخی از همین مدافعان ترمیم، در روزهای تدوین برنامه و شعارهای انتخاباتی و پس از آن تعیین ایده‌های کلیدی دولت، نقش مؤثری داشتند و در همان موقعیت نیز نتوانستند، راه‌حل دقیقی برای مواجهه با بحران‌های احتمالی ارائه کنند، براین اساس اعمال فشار به دولت برای تغییر انتصاب‌ها، جز آنکه ضربه دیگری از سمت خودی‌ها به دولت بزند و قوه مجریه را تضعیف کند، نتیجه دیگری ندارد.

مهدی سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل روسیه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

شرکت‌نکردن در اجلاس بریکس و تعلّل در تصویب توافق‌نامه به ما ضربه زد

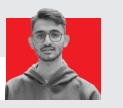

علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

دولت در روزهای گذشته با این انتقاد از سوی برخی نمایندگان مجلس مواجه شده که در اجرایی کردن توافق راهبردی میان ایران و روسیه تعلل می‌کند. این توافق‌نامه اوایل زمستان سال گذشته طی سفر مسعود پزشکیان به مسکو، به امضای رؤسای جمهور ایران و روسیه رسید. از آن زمان تاکنون، در روسیه مراحل قانونی اجرایی شدن آن، یعنی تصویب در مجلس دوما و سپس تأیید و ابلاغ ولادیمیر پوتین انجام شده است. اما در ایران حتی خبری از تنظیم لایحه و فرستادن آن به مجلس هم نیست. گرچه خود موضوع توافق‌نامه به‌تنهایی حائز اهمیت است، اما فراتر از آن، حالا دولت با این اتهام روبه‌روست که روابط با شرق را به امید دستیابی به توافق با آمریکا و البته برای نرنجاندن غربی‌ها معلق نگه داشته و نکته مهم این است که آیا در شرق همیشه کسانی منتظر ما می‌مانند و آیا خودتحریمی در تعامل دیپلماتیک با غیرغربی‌ها به‌ضرر منافع ایران نیست؟ در این زمینه گفت‌وگویی با سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل سیاسی داشتیم که او هم در این موارد منتقد رویکرد دولت است و حتی موضوع عدم شرکت سید عباس عراقچی، وزیر خارجه در اجلاس بریکس را هم به‌عنوان نمونه‌ای دیگر بیان می‌کند. سخنان او را با هم در ادامه از نظر می‌گذرانیم.

نگران دل‌آزردگی غربی‌ها؟

سیف تبریزی با اشاره به اینکه توافق‌نامه راهبردی ایران و روسیه مطمئناً به درد جمهوری اسلامی ایران خواهد خورد. گفت: «بسیاری از ظرفیت‌های غیرفعال ما در بخش کشاورزی، بهداشت یا حوزه‌های ترانزیتی، از طریق این قرارداد می‌تواند فعال شود. اما همان زمانی هم که قرارداد بسته شد، کارشناسان به این نکته تأکید کردند الزاماً بستن چنین قراردادها و تفاهم‌نامه‌هایی نمی‌تواند لوکوموتیو اقتصاد ایران را فعال کند، بلکه این نگاه دولت و مجلس است که می‌تواند این ظرفیت‌ها را فعال کند. همان زمان هم گمانه‌زنی‌هایی بود که دولت جدید با دست‌فرمانی که انتخاب کرده، به نظر نمی‌رسد زیاد راغب باشد که ظرفیت‌های مابین ایران و روسیه فعال و عملیاتی شود. توجه کنیم در تمام مواردی که در توافق‌نامه بین ایران و روسیه بسته شده، یک‌سری تفاهم‌های کلی دیده می‌شوند، مثلاً چشم‌انداز آینده در نظر گرفته شده که میزان ترانزیت و حجم تجارت ایران از این رقم باید به رقم دیگری برسد یا میزان تجارت و ترانزیت جاده‌ای ایران با روسیه دچار تغییراتی شود. این تغییرات مستلزم این است که یک‌سری قوانین در داخل ایران و در داخل روسیه – قوانین گمرکی یا هر چیز دیگری – تصویب شود تا تجار داخلی و تجار بخش خصوصی بتوانند سرمایه‌گذاری کنند، بدانند چه اتفاقی قرار است بیفتد، بر چه مبنا و چه نقشه‌راهی عمل کنند. متأسفانه به نظر نمی‌رسد دولت فعلی مایل به این موضوع باشد، مخصوصاً حالا که وارد بحث مذاکرات با طرف آمریکایی و غربی شده‌اند. به نظر نمی‌رسد زیاد مایل باشند که وزنه روسیه و حتی چین را در این معادلات سنگین‌تر کنند، چون احساس می‌کنند طرف‌های غربی از این موضوع – یعنی از نزدیکی ایران با طرف روسیه و چین – دل‌آزرده می‌شوند و به نظر می‌رسد وزارت خارجه ما دوست ندارد طرف غربی آزرده شود و در شرایطی که وارد مذاکرات شده‌اند، این اشتباه است.»

امضا مهم نیست، عملیاتی‌شدن مهم است

این کارشناس مسائل روسیه در ادامه افزود: «معاهده ایران و روسیه ارثی بود که به دولت پزشکیان رسید، به‌علاوه اینکه رهبر انقلاب هم بر این معاهده نظر مثبتی داشتند و دولت پزشکیان و تیم وزارت خارجه، خودشان را در یک عمل انجام‌شده می‌دیدند و احساس کردند که مجبورند انجامش دهند. نکته مهم این است که امضا مهم نیست، عملیاتی‌شدن مهم است و آن زمان هم خیلی از ما و دوستان دیگر پیش‌بینی می‌کردیم که دولت می‌تواند آن‌قدر بر سر راه این تفاهم‌نامه دست‌انداز ایجاد کند که در سالیان دراز شاهد باشیم که خیلی از این موارد اصلاً به آن‌ها وقعی نهاده نشود، خیلی‌هایشان از دستور کار کنار گذاشته شود، دیگر اصلاً منطق اقتصادی نداشته باشند که سراغش بروند و کلاً آن روابطی که می‌توانستیم با روسیه برقرار کنیم، کنار گذاشته شود و تقریباً همه چیز دوباره فدای مذاکرات و فدای رابطه با غرب شود.»

رابطه با شرق برای امتیازگیری از غرب

سیف تبریزی معتقد است ما می‌توانستیم از همین اهرم‌ها استفاده کنیم برای اینکه وزنه و کفه خودمان را سنگین‌تر کنیم در مقابل غرب. او در این باره توضیح داد: «به غربی‌ها بگوییم که ما در چند سال گذشته با شما کاری نداشتیم، ولی توانستیم روی پای خودمان بایستیم و از تنهایی استراتژیک خارج شویم، با روس‌ها، با چینی‌ها و با کشورهای جنوب جهانی ارتباط برقرار کنیم، اقتصاد خودمان را بچرخانیم. ورود به شانگهای، ورود به بریکس و چند نمونه از این معاهداتی که بین‌المللی بود و اتفاق افتاده، می‌توانست برای ایران دست برتر را در مذاکره با غربی‌ها فراهم کند ولی دولت فعلی به نظر نمی‌رسد بخواهد از این فرصتی که در اختیارش گذاشته شده به بهترین شکل استفاده کند. رهبر انقلاب فرمودند مذاکرات یکی از ده‌ها کار وزارت خارجه است، ولی عملکردی که الان از وزارت خارجه می‌بینیم، الزاماً این موضوع را ثابت نمی‌کند. عدم شرکت و حضور سطح بالا در اجلاس وزرای خارجه بریکس که چندوقت پیش در برزیل برگزار شد، به نظر من یک ضربه خیلی بزرگ به سیاست خارجه ما بود. اینکه تمام وزرای خارجه بریکس – آن هم در برزیل، جایی که ما می‌توانستیم به‌عنوان یک شریک اقتصادی فعال به آن نگاه کنیم – حضور داشتند، اما عدم حضور وزیر خارجه با یک دلیل واهی، خودش نشان می‌دهد گویا تعمداً به این تفاهم‌نامه‌هایی که با شرق، با جنوب جهانی و با طرف مقابل غرب است، توجه نمی‌شود.»

توافق‌نامه متوازن

این کارشناس مسائل روسیه همچنین تشریح کرد که در مورد خود توافق‌نامه راهبردی هم توازن کاملاً رعایت شده و شما هیچ‌بندی را در این توافق‌نامه پیدا نمی‌کنید که یک طرفه به نفع روس‌ها باشد. او در این باره گفت: «اتفاقاً روس‌ها سعی کرده‌اند شرایطی را – مخصوصاً در حوزه‌های بانکی و پولی – برای ایران فراهم کنند تا راه سرمایه‌گذاری روسیه در بسیاری از پروژه‌های بزرگ ایرانی باز شود؛ تا روس‌ها بتوانند فاینانس کنند، بتوانند در ایران سرمایه‌گذاری کنند، مخصوصاً در بخش ترانزیت، تا بتوانند کریدور شمال-جنوب را، در شرایطی که ما کمبود ارز و کمبود مالی داریم، جبران کنند ولی فعلاً که اتفاقی نیفتاده است. تا جایی که من اطلاع دارم، دولت نمی‌تواند پیشبرد توافق‌نامه خارجی و چنین قراردادهایی را که می‌تواند بار سنگین تعهدی نسبت به یک کشور خارجی داشته باشد، به انحصار خود درآورد و به‌تنهایی توسط دولت قابل تصویب و پیگیری نیست، بلکه مجلس، حتماً به‌عنوان قوه مقننه کشور و نماینده مردم، باید در این معاملات و توافق‌نامه‌ها نظارت کامل داشته باشد و آن‌ها را تصویب کند. همان‌طور که همین اتفاق در کشورهای دیگر و در خود روسیه هم افتاد؛ هر دو مجلس روسیه توافق‌نامه را تصویب کردند. به همین شکل، در داخل ایران هم حتماً باید این توافق‌نامه به سمت مجلس بیاید و مجلس هم بحث توافق را کامل، بند به بند ببیند، مطالعه کند و تصویب کند. برای اینکه مجلس بتواند تمام مفاد آن را بررسی کند و از دولت بازخواست کند که چرا بسیاری از این بندها هنوز مسکوت مانده‌اند. تعلل و بهانه‌تراشی برای این است که دولت فعلاً در مقابل مجلس پاسخگو نباشد بابت آن ظرفیت‌هایی که می‌توانست فعال شود و هنوز فعال نشده است.»

شرکای زمان سختی را فراموش نکنیم

سیف‌تبریزی در بخش پایانی گفت‌وگو با تأکید بر اینکه به هر حال مطمئناً این توافق‌نامه در بحث اقتصادی می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. افزود: «ما این توافق‌نامه را، نه به‌عنوان کل اقتصاد، ولی می‌توانستیم آن را کمک‌کننده به حرکت رو به جلوی اقتصاد ایران ببینیم. سرمایه‌ای که از سمت روس‌ها وارد ایران می‌شد، دریچه‌های تجاری‌ای که برای شرکت‌های خصوصی و اقتصاد ایران باز می‌شد، می‌توانست به‌عنوان یک قوه محرکه اقتصادی در نظر گرفته شود. مطمئناً هر نوع تعلل در اجرای این معادلات می‌تواند به بخش خصوصی، خصوصاً، لطمات سنگینی وارد کند. در شرایط فعلی، این تنها یک بعد ماجراست. بعد دیگر این است که این اتفاق در سال‌های قبل هم با کشور روسیه و چین رخ داد. این موضوعی بود که مقامات روسی و مقامات چینی به‌وضوح با مقامات ایرانی مطرح کردند که شما هر زمان در مذاکره به سمت غرب باز می‌شود، شرکایی را که در زمان سختی درکنارتان بودند، فراموش می‌کنید. در شرایط فعلی و با روند نظم جدید جهانی که به سمت چندقطبی‌شدن می‌رویم و با توجه به اینکه روسیه و چین یکی از قدرت‌های این روند جهانی‌اند، مطمئناً این نوع نگاه، این تعلل در رابطه برقرارکردن، درحالی‌که طرف مقابل با تمام توانش پای‌کار آمده، می‌تواند دوباره ظرفیت‌های بسیار عظیمی را از سمت روسیه و چین از ما بگیرد و در مسائل مهم و چالش‌های مهمی که می‌توانستیم روسیه و چین را در کنار خود داشته باشیم، دوباره این دو کشور را خنثی خواهیم دید. در سال‌های قبل، در دولت‌های پیشین هم این اتفاق افتاد. ما دیدیم روسیه و چین دیگر در بسیاری از موارد پای‌کار ایران نیامدند؛ در بحث دور زدن تحریم‌ها، در بحث حمایت در مجمع‌عمومی سازمان ملل و در بسیاری از پرونده‌های دیگر، رأی بی‌طرف یا خنثی دادند و این اصلاً به نفع جمهوری اسلامی نخواهد بود.»